



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۷/۱۹

غلام حضرت

تبصره ای بر زعمای ملی

با عرض سلام و ادب.

دانش و علم و تجربه و حتی احساسات و روحیات بنده بسیار بسیار کوچکتر از این می باشد که در مورد بعضی مسائل وطن ابراز نظر نمایم اما چه کنم، همچو یک کودک در حسرت مجروح شدن مادر وطنم و اعضای مظلوم خانواده ام یعنی هموطنانم و ویران شدن محل بازی های کودکانه ام، معصومانه (البته بزعم خودم) چبغ می زنم، با هر نحو و با هر ادبیاتی که باشد.

ضمن تشکر فراوان از نوشته زیبا و مبتنی بر واقعیت های (هر چند تلخ) جناب آقای انجنیر صاحب کلیوال، احترامانه عرض شود که:

به سر چهار اولادم سوگند می خورم که با هیچ هموطن عزیزم خصومت شخصی و انفسی و نفسانی ندارم و اگر داشته ام به اندازه ای نیست که روی قضاوت و یا پندار وطن دوستانه بنده تأثیر سوء بگذارد.

در وبسایت افغان جرمن اظهار نظر مفصلی توجه بنده را به خود جلب نمود. جناب آقای محمد اعظم سیستانی ضمن اظهار نظر خویش، چهار شخصیت بارز تاریخ کشور ما را منحنیث زعمای ملی تشخیص داده است. یکی از این اشخاص عبارت است از سردار (سر دار) داوودخان فقید.

بنده سرا پا تقصیر (ولی تسلیم نا پذیر به زنجیر آنهم زنجیر القاء کننده مسائل غیر پخته) به محتویات این نظر ایشان که داؤد خان را در ردیف "احمد شاه بابای کبیر" قرار داده، هیچ تماس نمی گیرم و نظرش را به خودش می گزارم اما:

با وجود بیسوادی ام این قدر شعور و معلومات معمولی دارم که ادعا کنم:

یکی از شاخصه های بیشمار یک زعیم ملی این است که تمام اقشار ملت آن را از صمیم قلب پذیرفته باشند و ضمناً چگونگی و چرائی اش مقید و محبوس به زندان زمان نیز نباشد، یعنی هم در پهنا و سطح، هم در عمق دریای تاریخ خود قابلیت شنا کردن داشته باشد و مهمتر از همه اینکه زعمای ملی بعدی باید موازی با احساسات و عقائد مردم در حرکت باشند بدین معنی اگر مثلاً در طول زمان دو صد سال، چهار پنج زعیم از سوی ملت خویش رسماً و عمیقاً به زعامت نیک شناخته شده باشند، آن یک یا دو زعیم آخری (از نظر زمانی) مکلفیت اخلاقی و ملی و وجدانی دارند

که همگام و هم عقیده و هم احساس با ملت خویش آن زعمای پیشین را نیز منحیث شخصیت های بارز ملی و حتی قهرمانان ملی ببینارند که البته در غیر آن به ملت و به تاریخ خود مرتکب اهانت بزرگ شده اند. خوب، اگر پذیرفته شود (که البته مسلماً پذیرفته شده) که احمد شاه بابا و امیر عبدالرحمن خان فقید و امان الله خان ملقب به زعمای خوب تاریخ ما شده و اخیراً داوود خان را نیز مثلاً کاندید این مجموعه افتخار آمیز نمائیم، آیا من یا ما یا هر کس دیگری و فرزندان این سرزمین حق ندارند پرسند که: داوود خان که کاندید دریافت این نشان طلائی شده، آیا از صمیم قلب به اصالت القاب زعمای ملی قبلی ایمان داشت؟ اگر هم خودش و هم تیله کنندگانش به این مراسم کاندیداتوری، قسم جلاله هم بخورند هیچ افغان با وجدان آن را قبول ندارد زیرا شواهد انکار نا پذیر موجود است که خلاف این ادعا را اثبات می کند.

متأسفانه کشور عزیز ما از جمله معدود کشورهای جهان به شمار میرود که باشندگان از داشتن نعمت اجماع بر سر پذیرفتن یک زعمی ملی و یا بهتر بگویم قهرمان ملی، محروم هستند، البته این به این معنی نیست که ما در طول تاریخ فاقد زعمای سالم بوده باشیم بلکه امواج نسیم گوارای احساسات و روحیات وطن دوستانه ما از هر سمت به حرکت درآمده که این امر مانع هدایت این نسیم به یک سمت مشخص و مورد توافق همگانی ما شده است.

مثالهای زنده و عینی در این خصوص فراوان مشاهده می شود که حاجت به بیان آن نیست.

نکته مهم دیگری که ما از آن غفلت ورزیده ایم و یا عمداً می خواهیم از آن غافل باشیم این است که اولاً در کشور ما حد اقل در این دو قرن اخیر، تعداد خائنین ملی بیشتر از تعداد صدیقین ملی اند که البته علت این امر شاید موقعیت جغرافیائی بسیار حساس کشور ما بوده، هیچ کشور دیگر در دنیا مثل ما نزدیک به چنگ و دندان قدرت های بزرگ (عمدتاً متخاصم باهم) نیست، کشورهای بزرگی که حتی باد و صدای ناشی از تنفس ساده آنها وحشتناک به نظر میرسد چه برسد به پیاده نمودن نقشه های شوم و پلید آنها و ثانیاً

اگر بخواهیم اذهان نسل امروزی یا فردای خویش را در مورد کیفیت اعمال زعمای ملی خویش روشن کنیم باید اولتر و بیشتر از همه به جای معرفی زعمای ملی، خائنین ملی که با تاریخ و مردم ما یک کهکشان جفا کاری ها نموده، شناسائی و معرفی نمائیم زیرا با این غربال ذهنی - عینی، ماهیت و هویت زعمای ملی خود به خود آشکار و مشخص می شود. حُسن دیگر این کار این خواهد بود که آن عده خائنین ملی که تا دیروز مردم ما را و هستی ما را به این و آن ارباب فروخته بودند، نخواهند توانست در عقب تریبون این مارکیت های تبلیغاتی پنهان شوند.

استیلاى این ترس و کابوس بر احساسات ما زمانى به واقعیت تبدیل خواهد شد که در کمال بیشرمى مشاهده شود که قاتلین پلید داوود خان مخالفین فکرى خویش را به خیانت ملی متهم! سازند.

بهر حال، حرف آخرم: صادقانه و خالصانه و سوگمندانه عرض کنم که غرض از ارائه این اظهاراتم به هیچ صورت متوجه یک شخص یا یک گروه خاصی نیست و چه بسا به نظر و طرز تفکر تمام هموطنانم بخصوص دوستانان و غیر دوستانان داوود خان احترام و پندارانه قائل هستم ولی به تأسی از فرموده آن فقید که در برابر دبنمنان پلید خود شجاعانه و غیرتمندانه گفت که (تسلیم هیچ اهریمن نخواهم شد) شجاعانه می گویم که تسلیم هیچ استدلال ضعیف نخواهم شد و شجاعانه و بی باکانه می گویم که برجسته ترین نقیصه دکانداران تاریخ نویس ما این می باشد که در قیمت گذاری های اجناس دکان فرهنگی خویش دچار بی انصافی ها و گران فروشی های بسیار چشم گیر و جدی و همچنین بی اعتنا به مراعات نرخ قانونی شده اند.

بلی!

"داوود خان را باید از نو شناخت" ولی با دید نو.

امید وارم کفایت کند.

